

جامعه، فرهنگ و طبیعت

فرش به مثابه سند

(نگاهی به کاربرد اسنادی فرش در فرهنگ بختیاری)

*علی رنگچیان

**محمود حاجی نصیری

چکیده

هنر- صنعت بافت فرش شاید ابتدا در میان جوامع کوچ نشین و عشایر به عنوان نیاز مادی انسان به زیرانداز آغاز شده، و سپس در اقوام و طوایف مختلف، چه در شیوه‌های بافت، چه در نقوش و چه در نوع و کیفیت مواد اولیه دستخوش تغییر و تحول شده است. قالی بافی هنری است که تار و پودش آئینه فرهنگ و سنت‌ها و ذهنیات و باورهای مردم بوده است. این هنر مانند سایر هنرهای سنتی ایران ریشه در فرهنگ دارد که در درجه نخست کالایی کاربردی محسوب می‌گردد و عشایر و ایلات از مهمترین حامیان و تولیدکنندگان هنرهای کاربردی در ایران به شمار می‌آیند. قالی‌عشایری سندی معتبر برای مطالعه هنر و فرهنگ ایران به شمار می‌آید و مهمترین عرصه بروز سلیقه مردمان و اقوام مختلف، به ویژه زنان روستایی و عشایری ایران است. به علاوه آگاهی از رسوم و سنتهای نهفته در آن، باعث گشایش پنجره‌های افزون‌تری به دنیای پیرامون ما می‌گردد. تاکنون بیشترین توجه محققان در حوزه فرش روستایی و عشایری به نشانه‌های تصویری و نقوش فرش ایران بوده، و این‌بخش از فرش‌های ایران بیشتر توجه را به خود معطوف داشته است. حال فارغ از مفاهیم پنهان در کیفیت بافت و نقوش، نفس بافت فرش نیز می‌تواند به عنوان یک سند پراهمیت مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: فرش عشایری، قوم بختیاری، رسوم و سنتها، قالی بافی، نقش شیر

* عضو هیات علمی گروه مرمت و احیاء بناهای تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سمنان.

سمنان، ایران. ali.rangchian@semnan.ac.ir

** مدرس گروه فرش، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. mahmood.hajinasiri@semnan.ac.ir

مقدمه

بختیاری‌ها به‌عنوان یکی از ایلات قدرتمند ایران، شناخته می‌شوند. در میان دودمان بختیاری عشایر گروهی هستند که شیوه زندگی‌شان بی‌تردید در گذر زمان دستخوش تغییرات کمتری شده است. تغییراتی که ناگزیر ادامه خواهد داشت. دستبافته‌های ایشان در طول سالیان متمادی باورها، اعتقادات و آنچه را که نسل به نسل به آنها رسیده در خود منعکس نموده است. که نشانگر برخی از آداب و رسوم ایشان می‌باشند. عشایر بختیاری به دلیل دوری از جوامع شهری، وارث این خصوصیات و آیینها و تاثیرات گوناگون آن بوده‌اند. که این رسوم و سنت‌ها را می‌توان در سبک زندگی، ازدواج، کار و ابزار و وسایل زندگی آنان جستجو کرد.

در این میان، دستبافته‌ها جلوه و نمود بیشتری در زندگی عشایر بختیاری دارند و سرآمد هنرهای ایشان می‌باشد. طبق نظر کارشناسان، مهد پیدایش قالی بافی بین ایلات و چادرنشینان فلات ایران بوده و ذوق و قریحه همان مردمان ساده در ایجاد نقش‌ها و رنگهای بدیع تاثیر قاطع داشته و به‌وسیله قبایل بیابانگرد و در طول زمانهای متمادی تدریجا این هنر - صنعت به شهرها رسیده است. (یاوری، ۱۳۶۵: ۸۴-۸۳)



تصویر شماره ۱. قالی بختیاری از جنس پشم

روش تحقیق

این مقاله با هدف معرفی فرش بختیاری و شناخت خاستگاههای اسنادی نقوش در آن صورت گرفته است.

مبنای این شناخت، بررسی عقاید سنتی این قوم، و فرهنگ عامه عشایر ایران است. این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و با تکنیک مشاهده و برداشت‌های محیطی انجام شده است.

اهمیت نقوش در فرهنگ عشایر بختیاری

بدون شک فرش و گبه در میان بختیاری‌ها همانند سایر اقوام ابتدا جهت حفاظت از سرما و مناسب‌سازی محیط زندگی‌شان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما همچنین برای زیبایی و حظ بصری و بروز منویات درونی، اشکال و نقوش حیوانات و گیاهان و علامتها، به صورت کاملا اختصاصی و گاهی برگرفته شده از مناطق دیگر که باز در استفاده و بافت فرش، سبک بختیاری به خود گرفته که همین امر موجبات شناخت و تشخیص این فرشها را میسر می‌سازد. «بنیاد شکل‌گیری فرش عشایری و روستایی متأثر از نوعی زندگی اشتراکی بوده است» (ژوله، ۱۳۹۲: ۲۴).

که این اشتراک گاه در محیط زندگی مشترک، انبار آذوقه و غله مشترک، تنور نانوايي مشترک، و مهمتر از آن در اعتقادات و باورهای مشترک رایج در میان ایشان بوده است که منجر به رفتارهای مشابه آئینی و رسوم یکسان شده است. این رفتارها و هنجارهای مشابه در نوع پوشش، گفتار و کردار آنان دیده می‌شود که هر کدام از این موارد به عنوان یک متن قابل بررسی و تحلیل است. در این میان فرش و گبه بختیاری نیز به عنوان یک سند از چگونگی تفکر و آمال خواهی مردمان بختیاری با توجه به اینکه در متن زندگی جامعه بختیاری حضوری پررنگ داشته، قابل مذاقه است. خانواده‌های بختیاری، از گذشته‌های دور به بافت فرش و گبه آشنایی داشته و آنرا تولید می‌کرده‌اند.

ما در اینجا معنی عمومی فرش را به عنوان زیرانداز که برای مفروش کردن زمین استفاده می‌شده است مدنظر قرار داده و در این گروه گبه با مشخصاتی همچون قالی که مشابهت در کاربرد و نوع تولید آن دارد مورد بررسی قرار می‌دهیم.



تصویر شماره ۲. گبه بافت زنان عشایر

«بخش بزرگی از ملک گبه بافان در دامنه‌های زاگرس قرار گرفته و بخش دیگر آن به زمین‌های پست خلیج فارس، می‌پیوندد. این مناطق موطن اقوام مختلف بوده است. در میان این اقوام دو قوم لر و قشقایی بیشترین سهم را در کار گبه بافی داشته و هنوز هم دارند. در این بین لرها را باید از اولین بومیان سرزمین گبه بافان برشمرد و از این قوم بزرگ تنها گروه‌هایی که در فارس و بختیاری و خوزستان زندگی می‌کنند گبه‌باف هستند و از جمله لرهای خرم‌آباد و بروجرد و همدان که عمدتاً از شاخه لر کوچکنند گبه‌باف نیستند» (تناولی، ۱۳۸۳: ۲۷).

«در مقایسه با لرها و تاریخ کهنسالشان، قشقایی‌ها مهمانان تازه واردی می‌نمایند و این دو گروه در گبه بافی ید طولایی دارند و به رغم وجوه مشترکی که در گبه‌هایشان است

هر دسته ویژگی‌های خود را دارند. در میان انواع گبه‌ها چه فارسی و چه بختیاری، بی‌شک متحدالشکل‌ترین آنها گبه‌های بختیاری است» (همان: ۳۴).

این گبه‌ها دارای نقوش و اشکال و علامتهایی هستند که در پس آن هدف معنایی این نقوش وجود داشته است و در این میان لرها در این امر پیش از اقوام دیگر بوده‌اند. به عبارت دیگر می‌توانیم لرها را بنیانگزاران گبه به شمار آوریم و باید گبه را ساختمانی فرض کنیم که پی و اسکلتش به دست لرها ساخته و پرداخته شده است. و لذا هر آنچه که از لحاظ ساختاری و طرح در گبه لرهاست در گبه قشقایی هم هست با این تفاوت که کار قشقایی‌ها دارای تزئینات بیشتری است. پس می‌توان گفت که گبه قشقایی با ویژگی‌های خاص خود، مکتبی متأثر از گبه لری است.

گبه‌ها دارای نقش حیوانات می‌باشند که شاخص‌ترین آنها نقش حیوانات شکارچی می‌باشد که «یکی از بهترین نقشه‌هایی که در بافتن گبه از آنها استفاده می‌شود نقش شیر است که مظهر دلاوری است. بعضی از این گبه‌ها نرم و ظریف‌اند و هنگام خواب از آنها استفاده می‌شود. بیشتر گبه‌ها را بافندگان لر بختیاری، لر بویراحمد و قشقایی‌ها می‌بافند» (صادقی فسائی، ۱۳۷۱: ۸).



تصویر شماره ۳. نقش پرندگان در فرش عشایری

«نقش شیر از اهمیت ویژه‌ای نزد ایرانیان برخوردار است که در گبه‌ها نیز کاربرد زیادی داشته است. از دوره هخامنشیان و ساسانیان شیر به‌عنوان نگهبان اصلی مهر یعنی خورشید و به‌عنوان میترا به کار برده می‌شد. بیشتر عشایر علاوه بر قشقای‌ها از طرح شیر در گبه استفاده می‌کردند. و شاید بتوان گفت نقش مشترکی بود که تمام بافندگان عشایر، هم قشقای‌ها و هم بختیاری و همچنین ایلات خمسه در دستبافته‌های خود از این نقش استفاده می‌کردند» (فقیری زاده، ۱۳۸۱: ۵۴).

نقوش به‌صورت خالکوبی روی بدن، یا به‌صورت آویز در چادر یا خانه (مانند شاخ بز) و یا نقوشی در سطح بافته به‌منظور رفع نیروهای شر، و یا جلب قدرت و برکت، در زندگی بوده که شیر یکی از مهمترین نقوش انعکاس یافته در گبه‌های بختیاری است که همانند شاخ بز کوهی در گبه‌ها و فرشهای بختیاری نقش بسته است.

این نقوش به مثابه اسنادی است که روی بافته‌ها نقش بسته است. گاهی اوقات هم در میان مراسم آئینی بختیاری‌ها برای یادمان متوفی از شاخ بز یا پاژن استفاده می‌کردند و آنها را در خانه می‌آویختند» (یعقوب زاده، خزایی، ۱۳۹۸: ۴۵-۴۴).

«همچنین شیوه استفاده از گبه با نقش شیر است که معمولاً روی قالیچه در وسط چادر از آن استفاده می‌شود و برای صاحب چادر نشانه غرور و دلیری است و گبه شیردار برای صاحب آن نیرو و قوت قلب به ارمغان می‌آورد و بیشتر به‌صورت ذهنی و از تخیلات بافنده الهام می‌گیرند و به همین دلیل معمولاً تناسبات نقش رعایت نمی‌شود» (علوی، ۱۳۸۹: ۸۵).

کارکرد اسنادی بافته‌های بختیاری

در بعضی از گبه‌ها نقش چنان در سطح بافته‌ها پخش می‌شوند که زمینه در میان این نقوش هضم می‌شود و خود قسمتی از نقش را به‌وجود می‌آورد. در این گونه گبه‌ها بافنده بیشتر مراسم مختلفی از جمله عروسی، جشن‌ها و روال زندگی در ایل را به نمایش می‌گذارند.

از دیگر کارکردهای مهم نقش شیر به عنوان سند می توان به تندیس سنگی شیر در میان بختیاری ها اشاره کرد.

«بختیاری ها معمولا بر مزار جوانان و پهلوانان و بزرگان خود تندیس شیر قرار می دهند که نشان دهنده شجاعت، دلاوری و قدرت شکارگری، تیراندازی و مهارت در سوارکاری متوفی می باشد» (یعقوب زاده و خزایی، ۱۳۹۸: ۴۹).

گاهی نقش شیر نشان و سندی هر چند ذهنی است که برای تجسم حضور مردان کاربرد داشته است. در قالیچه های شیری، نقش شیر علاوه بر سایر معانی رمزی، نمادی از مرد خانواده است که به سفر یا جنگ رفته و استفاده از این قالیچه در خانه بیانگر و یادآور حضور معنوی و دائمی اوست.

شیر به عنوان نماد مهمی شناخته می شود که به آن بردشیر (شیر) سنگی می گویند و بر گور مردان و زنان بختیاری قرار داده می شود که به یکی از نمادهای بختیاری بدل شده است. این نماد کارکردهای متفاوتی دارد که به حدود ۱۲ کارکرد می رسد و در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم. مثلا برای دستیابی به خواسته ای معین به گردن شیر دخیلی از پارچه می بستند. شکارچیان بختیاری برای کسب روزی و به دست آوردن شکاری خوب، تفنگشان را به شیر سنگی می زنند و یا در زیر آن آویزان می کنند. کودک بیمار را از میان یا زیر پیکره شیرسنگی می گذرانند تا بهبود یابد. و سه تا هفت بار این کار را تکرار می کنند. زیرا معتقدند با این کار نیروهای شر که موجب بیماری شده اند از او دور می شوند» (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۷-۶۴).

با توضیحات ذکر شده این طور به نظر می رسد که شیر از جایگاه مهمی در نقل قول ها، داستان ها و باورهای بختیاری برخوردار است. و ریشه شیرهای سنگی را باید در گبه های شیری جستجو کرد، به طوری که «گروهی از کارشناسان بر این عقیده اند که پیکره های شیری در نتیجه تغییر و تبدیل این نقوش از سطح به حجم پدید آمده اند» (نصری اشرفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۶).



تصویر شماره ۴. مجسمه شیرسنگی بختیاری (بردشیر)

بر اساس برخی اسناد، شیر در حدود صد سال پیش در ایران منقرض شده است، اما نقش، قدرت و شجاعتش هنوز در ذهن عشایر باقی مانده است. سالهاست که زنان عشایر نقش شیر را نه دقیقاً به شکل واقعی آن، بلکه از روی ذهن و تخیل خودشان می‌بافند. زیرا آنها هرگز هیچ شیری را از نزدیک ندیده‌اند؛ اما بارها در قصه‌ها و افسانه‌ها درباره زیبایی، شجاعت و قدرت این گربه سان شنیده‌اند.

با توجه به اینکه، قشقای‌ها گبه‌بافی را از بختیاری‌ها اخذ نموده‌اند آنها نیز به بافتن گبه با نقش شیر مبادرت نموده‌اند و دختران ایل قشقای در هنگام بافتن فرش و قالیچه شعرهای بسیاری می‌خوانند که یکی از آنها مربوط به شیر است. دختران در حین بافتن قالی شیر را صدا می‌زنند و به او می‌گویند: «ای شیر بیا و به دست‌های ما قدرت بده که از بافتن خسته نشویم و با زور و قدرت یک قالی زیبا ببافیم».

گاهی بانده‌ها نقش شیر را روی قالیچه‌های افراد مهم و بزرگان می‌بافتند. آنها با این کار نشان می‌دادند که صاحب این قالیچه مثل شیر با ابهت و قوی است. گاهی هم این نقش را دختران پیش از ازدواج می‌بافتند. در میان عشایر استان فارس رسم بر این بود وقتی به خواستگاری دختری می‌رفتند پدر آن دختر از آنها فرصت می‌خواست که فکر کند و با بزرگان فامیل مشورت نماید و بعد نظر خود را در مورد رد یا قبول خواستگاری دخترش اعلام کند. این فکر و مشورت کردن گاهی چندین ماه طول

می‌کشید و در طول این مدت دختری که برایش خواستگار آمده بود یک قالیچه برای همسر آینده‌اش می‌بافت و روی آن نقش شیر می‌انداخت. با این کار نشان می‌داد که همسرش بایستی مثل شیر قوی، شجاع و جنگجو باشد. وقتی خانواده دختر تصمیم نهایی را جهت اعلام جواب می‌گرفتند قالیچه هم تمام می‌شد و آن را به عنوان پاسخ به سیاه چادر خانواده پسر می‌فرستادند. وقتی که پسر قالیچه را باز می‌کرد بلافاصله جواب دختر را می‌فهمیدند. ضرب‌المثلی قدیمی وجود دارد که می‌گوید: «با دم شیر بازی نکن». اما اینجا بازی با دم شیر است که پاسخ را مشخص می‌کند. اگر خانواده دختر راضی به این ازدواج بودند دم شیر را به سمت بالا می‌بافتند و اگر جواب منفی بود دم شیر به سمت پایین بافته می‌شد.



تصویر شماره ۵. نقش شیر در قالی عشایری

نتیجه‌گیری

با وجود اهمیت فوق‌العاده شیر در میان بختیاری‌ها و باورهای مرتبط با آن و تصویر نقش شیر بر روی دستبافته‌هایی مانند فرش و گبه می‌توان آنرا به‌عنوان سند و نشانه‌ای از باور به این ذهنیت معنا کرد. در همین رابطه با توجه به قدمت بختیاری‌ها در سطح منطقه زاگرس و ورود قشقایی‌ها به این حوزه و اخذ هنر گبه‌بافی از لره‌های بختیاری گبه بافته شده با نقش شیر، نشانگر ثبت یک اتفاق نظیر پاسخ به خواستگاری، حضور نمادین مردان در خانه و یا نشانی از دلاوری و پهلوانی فرد متوفی در ایل بختیاری بوده است.

به نقل از یکی از فروشندگان فرش در شهرکرد، در رسوم قوم بختیاری، عروس در طول دوره نامزدی خود شروع به بافتن قالی می‌کند و تمام تلاشش را به خرج می‌دهد. چون این قالی نشان دهنده ذوق و سلیقه اوست. اما نکته دیگری که بافت فرش را به یک سند برای پیوند دو خانواده بدل می‌کند استفاده از این امکان برای عقد قراردادی دوجانبه بر مبنای حرفه ایست که علاوه بر جنبه کاربردی، بخش هویتی مهمی در عشایر ایفا می‌نماید. و آن مشارکت خانواده داماد و بافت نیمه دیگر فرش است تا همکاری و همیاری در بدو زندگی شکل گرفته، و قالی به عنوان سندی نمادین و نشانی یادآوری کننده شروعی تازه از زندگی مشترک ظهور و بروز نماید.

فهرست منابع

- تناولی، پرویز (۱۳۸۳)، گبه هنر زیر پا، تهران: انتشارات یساولی.
- حیدری، زهرا (۱۳۹۹)، مردم‌نگاری پیشه سنگتراشان شیر سنگی در مناطق بختیاری نشین، نامه انسان‌شناسی سال هفدهم، شماره ۳.
- ژوله، تورج (۱۳۹۲)، شناخت فرش (برخی مبانی نظری و زیرساخت‌های فکری، تهران: انتشارات یساولی.
- صادقی‌فسائی، محمد (۱۳۷۱)، تار و پود عشق، تهران: انتشارات نگار.

علوی، عباس (۱۳۸۹)، نقش مایه‌های گبه در ایل بختیاری، نشریه نقش مایه، سال سوم، شماره ۵.

فقیری زاده، فاطمه (۱۳۸۱)، آموزش هنر گبه‌بافی، تهران: انتشارات کوهسار.

نصری‌اشرفی، جهانگیر؛ رضایی، احمد؛ شیرزادی آهودشتی، عباس؛ نصری‌اشرفی، سیاوش (۱۳۸۸)، تاریخ هنر ایران، تهران: نشر آرون.

یاوری، حسین (۱۳۶۵)، نساجی و بافت، تهران: سازمان صنایع دستی.

یعقوب زاده، آزاده؛ خزایی، محمد (۱۳۹۸)، نقش مایه‌های طلسم تعویذ و حرز (مطالعه موردی: دست بافته‌های عشایر لر بختیاری)، نشریه هنر و تمدن شرق، سال هفتم، شماره ۲۵.